

تأثیر تمدن یونان

بر آریانا دیروز
یا افغانستان
امروز

حصه (۱)

حکومت یونانو کابلی از؛ طرف تهدید
میشد - اوشانیها، پارتها و اسکانیها آ نرا سلسل
تهدید میکردند تا اینکه کوشانیان زمینها را
مساعد دیده حکومت دو صد ساله یونانو باختری و
امرای یونانی کابل را از صفحه آریانا برداشتند -
مگر صنایع و علوم آن دوره را با ج کمال و انتهای
عروج رسانیدند. کوشانیان در باب پیشبرد
صنایع یونانو باختری کوششها و سعی بلیغ نموده

و خدمات فراوانی ناشدی در راه ارتقای صنعت این توده کرده و آنرا رونق نازک بخشیدند و
دین بودائی را در - - - - - فسی آریانا تبلیغ کردند و صنعت گر پیکو بودیک که
در عصر شاهان یونانو باختری از آمیزش فلسفه بودا و صنعت یونانی بوجود آمده بود در
عهد کوشانیان مدارج ترقی خود را پیمود.

چنانچه قبلاً تذکر نمودیم که شاهان یونانو باختری توجه خاصی در امور جهان داری و
آبادی شهرها داشتند. از بنر شهرهای خورد و بزرگی در هر گوشه و کنار مملکت تعمیر نمودند
و نیز در قسمت صنایع مستظرفه، معماری، حکاکی، حجاری، بکر تراشی و نقاشی خیلها توجه
کرد. وجود عهد شاهان یونانو باختری، مودند صنعتگران و اهل فن را نشویق میکردند.
چنانچه مسکوکات آن دوره دابل نوی پیشرفت صنعت حکاکی آنها است. از همه بیشتر در دوران
سلسله خانواده های دوم و سوم و خاصاً زمان حکم فرمائی ایو کرانید صنعت حکاکی بیایه عروج
خود رسیده و سکه های نشنگی از آن به یادگار مانده است. چنانچه نازن درین قسمت چنین
اظهار نظر به میداردهد بلاشبکه حکاکان صورت گر بکثرت زیاد بوده و اگر نام آنها فراموش
شده، نامهای گمانیکه برای (ایچی فاوس) کار کرده اند و اسمای بسا هنر پیشه گان دیگر همه
از خاطر رفته ولی اگر نام آنها در بین نسبت آثار ایشان افتخار آنها را از ننگه داشته است. (۱)
حقیقتاً مهرها و سکه های منقوش و پانقش و نیکار پسکه از باغ خلم، قندوز و سایر خرابه های
پکتیریا بدست آمده و می آید ترقی شایان قدر صنایع مستظرفه حکاکی آن روزی را ثابت میسازد.
و نیز بارتقای سایر صنایع مستظرفه گواهی میدهد. از همه وقتیکه آهسته آهسته مقام بودیزم
در آریانا امر کر می یابد و صفحه این توده علم پرور و دیانت خواه عهد پرورش و ترقی آن
قرار میگردد. در آن وقت مکانب صنعتی در هر گوشه و کنار مملکت تاسیس می یابد که مهمترین
این مدارس مدرسه صنعت گر پیکو بودیک است که از مکتب صنعت یونانو باختری سرچشمه
میگیرد. نسبت به عهد یونانیان باختری و اثبات تاثیراتشان در آریانا فقره از مقاله آقای غبار
اقتباس و ثبت میدارم. در عهد یونانیان باختری مذهب زرتشتی در افغانستان سقوط نموده
و نسماً ارباب انواع پرستی یونانیان بروی کار آمده و زبان یونانی با علوم ادب و طب و فلسفه
یونانی داخل افغانستان گردید و صنعت یونان رواج یافت. متعاقباً دیانت بودائی قدم در
افغانستان گذاشت و روبرو رفت بعدیکه نوپهار بلخ (مرکز زرتشتی) کانون مذهب بودا
محسوب گردید و ظهور و نشوونمای صنایع گر پیکو بودیک افغانستان نیز درین دوره بعمل

آمده و مدنیت مخصوص «باختری» را بیدان کشید. این مدنیت افغانستان بکلی از تمدن های ملل همجوار (هند، چین، فارس) جدا و ممتاز بود. افغانستان این مدنیت جدید را در ممالک وسیع هندوچین بسط داد چنانکه در صنایع منسوجیه به قرن دوم ق م چون نفوذ و اثر صنایع باختری مشاهده شده و محققین از آن ذکر کرده اند. زبان باختری افغانستان در بنه دوره با زبان یونان یکجا بیکار میرفت و این مطلب از مسکوکات و یونانی دریمس، شاه باختری معلوم میشود. بعلاوه در اثر نفوذ بودائیت در افغانستان خط هندی هم مروج گردید از بهلوی تجارت افغانستان در این دوره پیشرفته و باختر مرکز تجارت های هندوستان واره، یا از راه ماوراءالنهر و بهیروزهای خزر و سیاه گردید. ثروت آنوقت افغانستان را مسکوکات طلائی و یونانی دریمس دوم و شاه باختر (۱۶۸۰۰۵) گرام وزن داشته و بیست برابر طلای یونان و فارس بود. نماینده یکی میبکنند و انما بیچ پادشاهی توسط سکه اینچنین نمایش از ثروت خود نداده و هم در عهد همین پادشاه بود که مسکوکات (نیکل) از افغانستان برای بار اول در دنیا ظاهر شد. اما خود یونانیان در این دوره با اهالی افغانستان برای بار اول در دنیا مغلوب شده و در چند قرن پیشگامی قومیت خود را از دست داده اند (۱).

همچنان آقای احمدالله خان کریمی در قسمت آملین یونانیان در شرق و آریانا و ارتقا علم و عرفان آن دوره چنین مینگارند که «و باختر در عهد یونانیان بسی کتابخانه هارا از دست داد و حتی نسخ اصل و کپی او بستانیم به آتش افکندند» که چه در باختر طوری که بعضی از علما عقیده دارند و آن پادشاهان یونانیها از آن کتباشتند و در رفته رفته در پستانها مطابق به عقیده یکی از مصلحتین در آن کتباشتند و در رفته رفته در پستانها مؤلف تاریخ مدنیت باختر زبان اسان یونانی و پیشتر معبود های یونانی اصول زیستن مطابق به آن هارا آموختند. اسان، دین، و اعتبارات یونانیها را دائما محافظه نمودند. مردم از شعرای یونانی، صنعتگران یونانی شهر، علم و صنعت مرعی آموختند و اینها تقریباً از آسبائی بودن برآمده یونانی شدند. که از یونانی در کتاب افغانستان خود مینویسد که مدنیت و معارف یونانی از تاریخیکه باختر تحت اقتدار سلوکس یکی از سرداران مقدونیه موسس سلطه سلوکو (در آمد ۳۲۳ ق م) با معارف و مدنیت سابقه باختر مزوج گشت و معارف آن افزون تر گردید. دار مستقر فرانسوی از کاربس دومینیلینی که یکی از همراهان سکندر بود نقل میکند که ترجمه منظوم ایلیاد هومر هم در اینجا سروده میشد.

البرمالیه و ذول ایزاک در صفحه ۳۱۰ کتاب تمدن شرق و یونان مینویسد که «دولت هائیکه بعدها در قلمرو اسکندر ظهور کرد هر یک کانونی از تمدن (هلن) گردید. اخلاق و زبان و سنن ادب و صنعتی یونان در تمام شرق پراکنده شد و مشرق وجهی رنگ تمدن هلن را گرفت و دولت باختر معرفت یونان را در هند نفاذ داد. خلاصه اینکه مملکت باختری از تمدن و معارف یونانیان متأثر شد. تمدن و معارف آن بارونق تر گشت علوم و فلسفه یونان در این مرزوم بلی در شرق انتشار یافت و افکار دانشمندان از مبادی و تمایلات فلسفه یونان سرشار گردید و تمدن یونانی خود را در ممالک چین و هندوستان هم انتشار دادند.

مذهب یونان که انتشار یافته بود مانند بسیاری ملل دیگر پرستش نظامرات طبیعت بود . خورشید ، رعبد ، بحر ، طوفان ، انهار ، چشمه سارها ، رودنارها ، باد و باران مقام الوهیت داشته می پرستیدند . هر يك از آثار مزبور را از وجود نامرئی دانسته و آنها را منشأخبر و شر تصور می نمودند و بدین لحاظ به پرستش ایشان مشغول میشدند تا بسر اعطاف شان بیاورند و بارافع آزار شان بنمایند و این «آرا شیبه نوع انسان میدانستند . ارباب انواع هیکل انسان داشتند به اسكل و شرب و زنده بودن . همسر اختیار مینمودند ، فرزندان می آوردند . دستخوش وجد و الم بودند . ولسی جاودان زنده می ماندند . خلاصه اینکه پیشروان یونان بشمار داشتند اجداد را هم می پرستیدند درین اوقات بعضی ادیان سابقه هم وجود داشت که مردم تمام آنها را ترك نمیکرده بودند . درین وقت است که قسمت مینواوژی هم درین سرزمین زیاد میشود . نجوم ، طب ، شعر ، حقوق ، . . . و غیره بیک بیبانه خوبی ترقی میکنند . شعر و موسیقی رنگک یونانی میگردد . خط یونانی رواج می یابد ، اما این نفوذ معارف و مدنیت يك طرفه نبوده یونانیان هم از مدنیت و معارف باختری متأثر شده اند چنانچه در اواخر خط یونانی تغییر کرده و یونانیان خط آریائی را قبول نمودند و نجوم آنها در اوائیل بزبان خود ترجمه کردند در اخیر مذهب یونانی و زر دستی و برهمنی (که تماماً محو شده بود) اکثر آریائیها بدمذیب بودائی تبدیل یافت . (۱)

فتوحات سکندر و خاصتاً تشکیل حکومت مستقل یونانو باختری و از همه فتوحات آنها بجانب هند يك تحول فوری در حیات اجتماعی ، دین و فلسفه و صنایع آریانا وارد کرده و در دوره کوشانیان این تحول بسرحد کمال رسیده است . آریانا مخصوصاً باختر مهد پرورش ادیان قدیمه آریائی ، سرود های ویدی و عقاید اوستائی بود که عقاید در راه تصفیه روح و بلند بردن معنویات افراد این توده با تولید حس بدیع در نهاد قوم آریائی خدمات قابل قدری نموده اند و درین هنگام عقاید قدیمه تا زمانه های دور و دراز دیگری هم باقیمانده و ارباب انواع آن بروی سکه های شاهان یونانو باختری و کوشانیان بغوی ملاحظه میشود . مخصوصاً از آنها پیشرو و متأثران مگر عقاید و فلسفه نازه که از جانب هند وارد خاک علم پرور و دانشگاه آریین شده و با صنعت نوین یونانی و حس بدیع و سرشار فرزندان آریانا آمیخته ، يك چیز جدیدی روی کار آمده و طرز صنعت و صنعت گری را تغییر کلی داد . اگر از عینك حقیقت و بیطرفی نظر شود حتماً از خلال وقایع تاریخی جسته جسته به این مطالب می رسیم که عقاید ویدی بکمی تغییر شکل اوستائی را گرفته ، و اوستائی در دوران فتوحات سکندر و قبل از آن داخل هند گردیده و بشاخه های متعدد تقسیم شده که من جمله شاخه برهمنی است که افکنکار و عقاید بودائی از آن سرچشمه میگردد . و فلسفه امنیت و صلح خواهی را تبلیغ میکنند و در دوران تبلیغات آشوکا اخیراً به ما رسید . پس اگر ادعا کنیم که عقاید بودائی از ما بوده و باز به ما رسید و در سرزمین ما پرورش یافت عیبی نخواهد داشت . دین بودائی در هام صنعت و صنعتگری ما کمک بارز و نوابائی نموده و سرچشمه خوبی بدست مان افتاد . صنعت و تمدنی که از اختلاط عقاید بودائی و صنعت یونانی و حس بدیع آریائی بپیدان آمده بنام صنعت کریک و بودیک ، یا د یونانو بودائی ، در عالم کسب شهرت نمود .

(۱) از صفحه ۲۶۶ - ۲۶۷ سالنامه ۱۷ کابل از مقاله معارف در افغانستان .

باید تذکر نمود که در لشکر سکندر دسته از صنعتگران موجود بودند که اخیراً وقتیکه امپراطوری سکندر تقسیم شده و پاره-پاره شد، خورد این دسته صنعتگران به آریانا و مخصوصاً باختر منوطن شدند، تمام صنعت ملی خود را باخته و از یک فرد باختری هیچ فرق نمی‌شدند چه در زبان، چه در دین و عقاید و چه در لباس تحت تأثیر محیط آمده از باختریها تقلید میکردند و از جانبی خود هم بر محیط تأثیر کرده و بر آن حاکم شده بودند، باختر از آنان و آنان از باختر شمرده میشدند و یکی بر دیگری خود منحل و ممزوج گردیدند، همچنان افکار و فلسفه غربی یونانی در قلب باختریان جا گرفته و آنرا از اختلاط با عقاید مذهبی خود رنگ تازه دادند، همینطور از طرف صنعتگران یونانی تقلید کرده از آنان سبقت جستند، آئین صنعتگران و فلسفه یونانی را با لشکریان سکندر آقای کهزاد چنین تأثیر میفرمایند: «فتوحات سکندر راه شرق را برای افکار غربی باز کرد، با سکندر و قشون او اشخاص صنعتگر، مورخ ادیب، روحانی و موسیقی‌نواز و غیره همراه بود و هر یک در زمینه افکار یونانی با خود داشت، باینها ظهور افکار شروع و با یونانیها تکیه در کشورها ماندند دوام و بساط یافت» (۱)

این صنعتگران اهل فضل و دانش یونانی طوریکه گفتیم همه در ظاهر یونانی بوده مگر بکلی در محیط باختر حل و مزج شده، آنها از یکدیگر باختری اصل فرق نمی‌شدند، همچنان که خود آنها باختری شده بودند پارچه‌ها می‌تولیدی و صنایع آنها هم از باختر شده بود، چنانچه هباکسل از باب انواع افغانوی یونان به نفاست کامل تراشیده شده و بزروری سکه‌های پادشاهان یونانی باختری حتی کوشانیان از نقش سورت آنها مزین میشد، دیودوت اول و دوم زینت را روی سکه‌های خودها نمایش دادند و دیمتریوس رب النوع معلی و اناهیته را بالای سکه‌های خویش نقش کنده و ابو کرانید تصویب پلون Apollon رب النوع طرفان، ادبیات، طبابت و صنعت را روی مسکوکات خود بضرر رسانیده است، همچنان تصاویر دیونیزوس رب النوع انگور و غیره را بر روی سکه‌های خودها جلوه و نمایش داده اند، خلاصه مطلب این یونانیان و باشندگان باختری طوری با هم حل و مزج شده بودند که بسکمانگان فرقی بین آنها کرده نمی‌توانست، سلسله قرابت شرقی و ازدواج نیز بین شان شایع شده بود، اولتر از همه شخص سکندر مشک اول این نژادها و بارخشانه دختر یکی از نجای باختر ازدواج کرد.

این همه تأثیرات یونانیان بر باختر بود که ادیان میتولوژی آنان را قبول کرده و شاهان یونانی باختری مسکوکات خود را از اسمای آنان زینت داده اند، و نیز از صنایع ادبیات، فلسفه و افکار یونانی اهالی متأثر شده و همچنان یونانیان هم بی‌بهره نمانده در تحت تأثیر محیط علم پرور باختر آمد و زنی از آن به حساب رفته اند.

علاوه از موضوعات میتولوژی یونانیان که در شمال و جنوب هندو کش انتشار و وسعت یافته و با همایق روح باشندگان آن ولا تأثیر نموده بود، قصص و داستانهای میتولوژی بودائی بیشتر از آن در اهلیاق روح و قلب اهالی و از همه یونانیان آریین شده تمرکز نموده و موفقیت خود را بطور دلخواه حاصل کرده بود، آثار تاریخی که از هندو کاسیندا و بامبان بدست آمده خواهد و بر این موقوف این مدعا است که دین و فلسفه بودائی بجهت اندازه بروح این قوم موافقت داشته و بسکدام اندازه در طرز صنعت و امورات حیاتی و اجتماعی یونانیان آریین شده و خود این توده

تبدیلات و تغییرات آتفی و فوری وارد کرده است. اگر برای توضیح و اثبات این مطلب فقره از جلد دوم، تاریخ افغانستان را اقتباس نمایم به مورد نخواهد بود. که در صورت نتیجه میتوان گفت که در دور قسطنطنیه شاهان مستقل یونان با خنری یعنی در دو قرن اول ق م بقایای دیانت اوستایی از بین نرفته و بعضی از باب انواع با خنری مثل و اما عینا به پیروان بیشتر داشت اما فلسفه بود انرا و اختتامهای اصطوری یونانی با افکار و عقاید محلی مختلط گردید. و همه این عوامل نسکائی در عقاید مردم تواید کرد و عقیده آزاد زبانه برای پرورش هر نوع کیش و مذک مشاع بود. این روی در فضا و در دیگر بهلوهای از مذکائی این عصر مملکت با هم بی تاثیر نمانده و روی هم رفته از تر کیب و اختلاط افکار خودی و بیگانه احیات و اجتماعات و تهنیت شکل محلی به خود گرفته که آن را صنعت او یونان با خنری یاد میکنند. (۱)

صنعت یونان با خنری که مهم ترین تاثیر یونان بر با خنر و آریانا است در دوران شاهان یونان با خنری روی کار آمد صنعت و صنعت گری تبدیل فوری نموده و در سه مخصوصی بنام صنعت یونان با خنری یا بر صفا وجود گذاشت. که به اسرار زمان و فنی که اصطوری عقاید و تهنیت بودائی در برای این خاک شایع شد و شکل مدرسه گری بود که یاد یونان بودائی تبدیل گردید. در این باره در تاریخ و جغرافیای یونان و آریانا در کتاب تاریخ و جغرافیای یونان و آریانا نوشته شده است. و در این باره در کتاب تاریخ و جغرافیای یونان و آریانا نوشته شده است. و در این باره در کتاب تاریخ و جغرافیای یونان و آریانا نوشته شده است.

چون نباید گفت که صنایع آن روزی زاده بین و آیین بوده و از الهامات فلسفه بودائی و دین محلی و طرز مخصوص صنعت آنستم ای یونانی موجود آمده است. و در سه یونان با خنری را میتوان مبداء شکل شمرد. چنانچه برای آریانا در این باره صنایع گران درین مدرسه درس صنعت گری را گرفته و آنرا بعد از کمال و پایه بلندی رسانیدند. دست بکنار زدند. مجسمه سازی و هیکل تراشی یونانیان را آب و نایب نازده هر چند بعضی از مدققین میگویند که قبل از آمدن اسکندر به آریانا هم کم و بیش مجسمه سازی وجود داشته و از باب انواع صنایع در آن توشیح آن نمیشد. مگر اغلبا فن مجسمه سازی به آریانا در زمان اسکندر داخل شده و در دوره امپراطوری شاهان یونان با خنری به تدریج کمال یافته است.

البته حقایق تاریخی پوشیده نمی ماند و این هم ظاهر است که آریانا در قدیم قبل از ورود اسکندر دارای مدنیتی بوده از خود عام و معرفتی داشته هر چند دوره قبل از شاهان یونان با خنری تا اندازه تاریک است ولی باز هم احنا بق از خلال آثار تاریکیها درخشیده و خود را ظاهر میسازد چنانچه آقای کپزاد میفرماید که در چون حفاریات هنوز در باقیات قبل از تاریخ آریانا و خصوصاً در صفحات با خنر علمی نشده عیاناً مطالعه شخصیت و سوبه صنعتی با خنر قبل از ورود یونانیها مشکل است. و عامل مثبتی در دست نیست تاریخی آن گفتگو شود ولی قراریکه در مبحث گذشته ذکر نمودیم بعضی از مدققین بر این عقیده اند که تمدن بزرگ آریانا از گذشته بوده از روی مجسمه این رت النوع بوده که مبداء آن در با خنر است و وجود داشت البته مجسمه کک های کوچک گلی که چند صدی از دوران حرم و تمداد بیشتر از سفید پاره پیدا شده و همین رت النوع خود خانه آمو یا با اصطلاح رت النوع فراوانی را نشان میدهد بهر دیگر است که بدو رت های قدیم تر ارتباط دارد. همین قسم اگر بزبوریت اوستاره ها و نواح و اکلیل (امبتا)

(۱) از صفحه ۹۷ فصل ۶

وب النوع رودخانه آکوس (آموریا) استاد شود گفته اند نام که صنعتکاران
و هنرمندان لایقی قبل از یونانیان در باختر وجود داشت (۱)

همچنان وقتیکه سکندر بطرف شرق عازم فنوحات مرشد یونان مرکز علم و دانش بوده
صنایع شان خیلی ها ترقی نموده بود و از همه صنعت ها بکل تراشی در یونان عام بوده استادان
بزرگ و ماهر و وجود داشت . در قسمت طب ، فلسفه ، ادبیات ، منطق ، ریاضی ، نجوم
و ستاره شناسی بد طولانی داشتند . و نیز تریب بدنی در یونان بیایه بلندی رسیده بود .
فنوحات سکندر شاهد بزرگ آنست مگر با اینهم صنعت ها بکل تراشی و مجسمه سازی از همه
بیشتر در یونان بعد کمال رسیده بود ، از همه در زمان سکندر این فن بمعراج خود رسیده
و استادان موشگاف و پارک بستی روی کار آمد و مانند دلی شب ، استاد ماهر و دست
بکار زده و صنعت های تراشی را رنگ و رونق تازه بخشید . و بجزوی استاد دیگر حق
و اجازه تراش هایکل سکندر را نداشت و این انتشار مخصوص وی بود .

خلاصه اساس مدرسه صنعت یونانو باختری بر اساس و طرز هایکل تراشی لبس نهاد
شده بود . و این مدرسه طوریکه گفته شد از تاثیرات عارق العاده صنایع مستظرفه یونانی ها
براساس میتوان خواند ، اساس این مدرسه کاملاً بر اساس کار لبس و طرز هایکل تراشی
آن پر خاك مابوده و کاملاً از طرز وی و آثارش نمابندگی میکرد چنانچه مجسمه ها بیکه از همه
بدست آمده شاهد این گفت است استادان هایکل تراش افغانستان عیناً از لبس در تمام پارکی
ها و مزایای هایکل تراشی پیروی نموده در تناسب اندام و بلندی قامت از وی الهام گرفته اند .

هر چند آمدن این استاد ماهر به آریانا پوره مقاوم نیست مگر از روی مجسمه زیبا النوع
مینولوژی دهر کول ، که از شاه کارهای دلبس است تصویر دهر کول ، بر وی سکه های
شاهان یونانو باختر به نهایت زیبایی از طرف استادان ماهر این خاک کنده شده و دلیل قاطع بر این
است که اگر خود لبس به آریانا آمده و نیامده باشد اثرات قیمتهار صنعت وی حتماً به این سرزمین
رسیده است . و در مورد مدقق روسی در مورد چنین اظهار نظر میدهد که آذربایجان ندارد که
با سکندر اصل و باقل آثار دست لبس به آسیا آورده شده و دستور مدرسه او را صنعت کاران
باختری ترجیح داده و محافظه نموده باشند ملت ترجیح ازین معلوم میشود که مدرسه دلبس
معیاری داشت سراسر (رآلبس) که با خواص مصنوعی و غیر طبیعی صنعت قلمی است که تا
این زمان در باختر رواج داشت مقایسه بهم می رسانید در همین مدرسه (رآلبس) دلبس ،
استادان ماهر باختری نقش تصاویر حقیقی را روی مسکوکات یاد گرفتند و بدین قلم خطوط
مبزه و شخصی چهره از آن معلوم می شود بلکه جزئیات خواص روحی هر شخص را هم نمایندگی
میکند از امکان تمییز نیست که در میان استادان بیکه تصاویر مسکوکات و مدالها را رسم کرده اند
و انبیا هم بوده باشند ولی اگر درین مسئله خوب دقت شود که در مسکوکات یونانو باختری ،
مانند تابلوی فوق العاده دقیق خطوط چهره را نشان داده و مهارتی در آنها بکار رفته که حتی
مبذات روحی و فکر و خیل و رفاقت و عزم و اراده را هم نمایندگی میکند حالانکه مسکوکات
یونانی معیار آنها ازین کیفیت عاری است . (بانی دارد)

محمد فضل